

# گفتگوبا حجة الاسلام والمسلمین سید محمد علی ایازی

حجة الاسلام والمسلمین سید محمد علی ایازی (زید عزّه) از جمله شخصیت‌های پرتلاش در عرصه علوم قرآنی در دوران معاصر است. وی در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدند و فقه و اصول و نیز عرفان و فلسفه را در محضر اساتید بنام حوزه سپری کردند. ایشان همچنین مباحث علوم قرآنی و تفسیر را پی‌گیری کردند و از بنیان‌گذاران مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم شمرده می‌شوند که یکی از کارهای آن تنظیم تفسیر راهنما، فرهنگ موضوعی تفاسیر قرآن و ایجاد کتابخانه‌های تخصصی در حوزه علوم قرآنی بود.

از جمله آثار ایشان می‌توان کتاب المفسرون حیاتهم و منهجهم که در اعتراض به تعصب به کار رفته در کتاب التفسیر والمفسرون ذهبی نوشته شده، قرآن و تفسیر عصری، قرآن و فرهنگ زمان، جامعیت قرآن، مصحف امام علی (ع)، کاوشی در جمع قرآن، فقه‌پژوهی قرآن، و آزادی در قرآن را می‌توان نام برد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آثار دیگری از ایشان آماده چاپ شده که از جمله آنها: فقه‌پژوهی و قرآن و اهل‌بیت (ع) می‌باشد.

آنچه پیش‌روی دارید مصاحبه‌ای است که فصلنامه با ایشان انجام داده است.

□ با توجه به فعالیت شما در موضوعات قرآنی و موفقیتی که در این مسیر کسب نموده‌اید لطفاً تاریخچه‌ای از شناخت و اطلاع خود را درباره تفسیر و علوم قرآن در تشیع ارائه بفرمائید.



■ این بحث را می‌توان در دو برهه عنوان نمود، یکی فعالیت قدما در امر قرآن و نگارش تفسیر و کتب علوم مرتبط با قرآن که در کتاب سیر تحول شیعه بیان شده است. و دیگری فعالیت‌های قرآنی در قرن ۱۴ و ربع قرن ۱۵ که بسیار چشمگیر است کارهای وسیعی که در زمینه تفسیر در این دو قرن اخیر صورت گرفته است می‌تواند در تقابل با ۱۳ قرن دیگر قرار گیرد که اصلاً قابل قیاس نیست چه از نظر حجم تفسیر و چه از لحاظ کیفیت تفاسیر به نگارش در آمده. توجه به فهرست مصنفات شیعه در دو قرن اخیر خود این پندار را به واقعیت بدل می‌کند به عنوان مثال تفسیر وزین المیزان را باید مورد مذاقه قرار داد که نقطه عطفی در تفاسیر شیعه است. و در حوزه علوم قرآن نیز آثار متقنی تا ۵۰ سال اخیر ارائه نشده بود، البته در بین قدما آثار به ندرت و گاهی به صورت خاص وجود داشت اما چشمگیر نبود.

از جمله کسانی که در این امر پیش قدم بود و همچون علامه طباطبایی (ره) نقطه عطفی را در موضوع علوم قرآن ایجاد کرد، آیه‌الله معرفت بودند که با نگارش دائرة المعارف التمهید توانستند نقطه اتکایی در این علم به وجود بیاورند. خود ایشان زمانی به بنده فرمودند که قصد داشتم در بحث ترجمه قرآن مطلبی بنویسم رفتم کربلا و در آثار اهل سنت ۱۰ مطلب پیدا کردم ولی متأسفانه از شیعه اثری در این زمینه یافت نشد. حتی خود بنده نیز زمانی در دانشکده الهیات مشهد در جستجوی موضوعات قرآنی پایان‌نامه‌ها بودم دیدم که جز در چند موضوع خاص در دیگر موضوعات اثری پدید نیامده بود و این فقر موضوع آشکار و مشهود بود.

□ به نظر شما مهمترین عوامل گرایش به سوی علوم قرآنی و رشد و شکوفایی آثار قرآنی چیست؟

■ ببینید به نظر بنده یکی از عوامل بسیار مؤثر که مفید هم بود هجمه مخالفین تشیع به این مطلب است که ادعا می‌شد که این فرقه نسبت به قرآن بی‌توجه بوده و اعتقادی به قرآن ندارد. این هجمه، شیعه را به تکاپو انداخت که اندیشمندان قرآنی خود را عرضه نماید و لذا آثاری چون تأسیس الشیعه، اعیان الشیعه و الذریعه نوشته شد.

□ به نظر شما موضوعات جدیدی که در شرایط فعلی پرداختن به آنها ضروری می‌نماید

یا موضوعاتی که نیاز به کار بیشتر می‌باشند کدام موضوعات می‌باشند؟

■ مواردی که باید در این امر بدان پرداخته شود سه موضوع است که اهمیتی بیشتر دارند: الف) موضوع مهمی که باید کار جدید روی آن صورت گیرد کارهای مقایسه‌ای و تطبیقی است. در این زمینه باید از غریبان هم تجربه بگیریم که در فرهنگ ما نیز مورد تأیید قرار گرفته است مثل روایت: خذالحکمة و لو کان من المشرکین یا اطلب العلم و لو بالصین.

این کار باید در تمامی حوزه‌ها صورت گیرد چه علوم قرآن چه تفسیر و چه مقایسه قرآن با کتب مقدس چون ما حرف برای گفتن داریم و باید خود را دست بالا حساب کنیم یعنی این علو مقام را در عمل و نه در حد شعار پیاده کنیم. موضوع تطبیق امری گسترده و تمام نشدنی است و در همه حوزه‌ها و معارف قابل تعمیم است.

ب: دومین موضوعی که باید بدان پرداخته شود و در سالهای اخیر نیز بیان گردید بررسی شبهات و پاسخ به آنهاست و با توجه به راه‌اندازی شبکه اینترنت و انواع سایتها بررسی این امر به کار دقیقی نیاز دارد. باید پاسخ به شبهات جدید دارای دو ویژگی باشد. یکی شناخت فروعات مسئله و دیگر شناخت زبان امروز. زبان امروز، زبان منطبق است و پاسخ باید به دور از هرگونه غرض غیرعلمی، عالمانه و محققانه ارائه شود مانند کاری که مفسران قدیم انجام می‌دادند که در ضمن تفسیر آیات شبهات را نیز مطرح می‌کردند و چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم بدان پاسخ می‌گفتند.

ج: سومین گزینه پیش روی ما بررسی مباحث سنتی و قدیمی است که توسط محققین، اساتید و دانشجویان بحث می‌شود. این مباحث را باید توسعه داد مثلاً اگر در باب اسباب النزول بحث می‌شود باید از تکرار مکررات کاست و ابعاد جدیدی برای آن طرح کرد و وارد مبحث هرمنوتیک گردید و یا مباحثی که در باب تفسیر مطرح است یا مباحثی که در علم اصول و یا فقه یا الفاظ مطرح است. مثل مباحثی که در کتاب‌شناسی، زبان‌شناسی و معناشناسی در حوزه قواعد تفسیری به وجود آمده است. یا در بحث قراءات باید درباره الحان بحث شود.

به هر حال فصل سوم پیشنهاد من در حوزه علوم قرآن این است که مباحث علوم قرآن را تعمیق بخشیم و به لحاظ علمی بدان کیفیت بدهیم و در این مسیر می‌توان از تجارب غریبان نیز استفاده کرد.

□ از جمله مباحث نو بحث زیان دین و قرآن است که برخی آن را نوشتاری و برخی گفتاری و برخی زیان خاص و بعضی دیگر آن را عرفی می‌دانند؛ نظر شما در خصوص شکل زیان قرآن چیست؟

■ بعضی زبان قرآن را به شکل زبان گفتاری یا نوشتاری مطرح می‌کنند ولی بنده این زبان را در آن قالب نمی‌دانم و ادله این افراد را قابل قبول نمی‌دانم و این بحث را در مقاله‌ای توضیح دادم. ولی اگر بخواهم بیان کنم که به کدام زبان و شکل بیان شباهت دارد می‌توانم گفت که به زبان گفتاری شباهت بیشتری دارد. با توجه به معنی وحی که نوعی القاء گفتار به قلب نبی (ص) می‌باشد نه القاء نوشتار. بنده در یکی از مقالات خودم، ادله دو طرف را بیان کردم و توضیح دادم که قرآن شباهتش به زبان گفتاری از زبان نوشتاری بیشتر است. هرچند برخوردار از برخی از امتیازات زبان نوشتار نیز باشد. قرآن دارای سبکی در بیان مطالب است که نه صد در صد زبان گفتاری است و نه صد در صد زبان نوشتاری چون این دو زبان بشری است و قرآن بشری نیست و حتی جدای از شخصیت پیامبر (ص) است. □ نظر خود را درباره چگونگی رشته علوم قرآن و حدیث در مراکز آموزش عالی و حوزه برای ما تشریح فرمایید.

■ گامهای بسیار مؤثر و خوبی در این زمینه برداشته شده و بسیار مفید است. زمانی افراد انگشت شماری بودند که کار قرآنی انجام می‌دادند ولی در زمان کنونی با توجه به بسط این علوم و گسترش آن چهره‌های خوبی ظهور پیدا کرده‌اند. این امر چه در حوزه و چه در دانشگاه قابل ملاحظه است. ولی باید این نکته را نیز افزود که نیاز به ساماندهی و هماهنگی در کار محسوس است. مثل موجود زنده‌ای که تا اکنون در حال تکوین بود ولی از حالا باید به فکر تدوین آن بود، یعنی بدان هویت داد. بدین معنا که تشکیلاتی به وجود بیاید و ضعفها و نقاط

قوت را بیان کند و روی نقاط ضعف کار شود و از بین برده شود. برای مثال می‌توان در شکل و نحوه امتیازبندی پایان‌نامه‌های قرآنی بحث کرد و بنده بدان معترض بودم که جدیداً بدان توجه شده است. مثلاً امتیاز بالا برای پایان‌نامه‌های متوسط یا ضعیف باعث ضعف کار و کاستن ارزش تحقیق می‌گردد. و اساتید باید با آینده‌نگری در امر پژوهش‌های قرآنی سختگیری بیشتری را روا دارند تا باعث شکوفا شدن ثمره تحقیق و پژوهش در این زمینه نیز باشیم.

ارائه تکالیف جدید، موضوعات نو، سختگیری در انجام تکالیف، عدم ارائه موضوعات تکراری و ضعیف که جداً مایه تأسف است که توجه به این نقاط ضعف می‌تواند برای آینده درس باشد.

□ با توجه به نظر حضرت عالی مبنی بر سامان یافتن فعالیت‌های قرآنی و ایجاد انجمن قرآن‌پژوهان آیا این انجمن می‌تواند در هدایت کل کارهای قرآنی و تحقیقات و پژوهش مؤثر باشد. اگر نظرتان مثبت است، چگونه می‌تواند اعمال نفوذ کند.

■ اگر انجمن بنا دارد کار انجام دهد و در این مسیر جدی باشد باید مرکب از افراد محقق و اساتید میرز حوزة و دانشگاه باشد. این انجمن ابتداءً پنج کار را باید انجام دهد:

- ۱- توجه به اطلاع‌رسانی و دارا بودن بولتن خاص مجمع که آخرین اطلاعات و اخبار را از وضعیت علمی و فرهنگی در گرایش به علوم قرآن مرتب و دقیق به اطلاع اساتید برساند و اطلاعات آن به روز باشد و اخبار نشر کتب، مقالات علمی یا ارائه واحدهای قرآنی به دانشجویان را نیز شامل شود.

۲- برگزاری نشستهای علمی مستمر که اساتید نیز در آن نظرات خود را ارائه دهند.

۳- جلسات منظم به طور متناوب به صورت سه‌ماهه یا شش‌ماهه جهت حل مشکلات پیش رو و ارائه راه‌کارهای مناسب برای رفع موانع.

۴- انجمن باید موضوعات جدید و افکار نو را در زمینه مباحث قرآنی پیش روی محققین جوان قرار دهد تا در حل آن و رشد این علم مؤثر گردد و انجمن می‌تواند با کمک اساتید فن این موضوعات را طبق تعریف انجمن به صورت دسته‌بندی شده به محققین پیشنهاد نماید

تا در تحقیقات از آنها استفاده نمایند یا موضوعات را گسترش داده و در خصوص موضوعاتی که قبلاً روی آن کار شده، موضوعات جدیدی را ارائه دهند.

۵- شناسایی کتب و متون قرآنی به زبانهای مختلف تا ضمن برخورداری از افکار نو بتوان در ترجمه آن کوشید و در اختیار قرآن‌پژوهان قرار داد تا از آخرین مباحثی که در خارج از مرزها بیان می‌گردد نیز مطلع بود. حتی اگر این آثار به صورت نقد و ردیه باشند باید محققان با آنها آشنا شوند و در جریان کار قرار گیرند. بحمدالله با توجه به عظمت قرآن نباید از این تهدیدها ترسید و پا پس گذاشت.

□ در دستور کار دانشکده علوم قرآنی است که در هر سال یکی از مفاخر قرآنی کشور را تجلیل نماید. به نظر شما به عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته قرآنی آیا اصل این کار ضرورت دارد و اگر ضرورتی احساس می‌فرمایید راهکار حضرت‌عالی در بهتر برگزار شدن مراسم چیست؟

■ به نظر بنده کار بسیار خوبی است و شکی در مفید بودن این عمل نیست. در این موضوع بحمدالله دستمان باز است با توجه به وفور چهره‌های قرآنی مشکلی در انتخاب افراد نیست، اما موضوعی که باید متذکر گردید این است که مثلاً ما فردی را می‌خواهیم به عنوان مؤلف یا محقق معرفی کنیم و از او تجلیل گردد. این تجلیل و قدردانی باید خاصیتی داشته باشد، اگر این فرد شناخته شده برای همگان باشد حتی اگر در رتبه اول علمی یا تحقیقی باشد دیگر نیازی به معرفی نیست چون خودش معرف خود می‌باشد، باید سراغ افرادی برویم که کمتر مشهور می‌باشند و معروفیت کمتری دارند. که هم زمینه مشوق این افراد باشد و هم پلی باشد برای ارتباط بهتر و مستمر با ایشان. و باید در این امر با سعه صدر نگریم و سراغ افراد با دیدگاه‌های مختلف و متفاوت باشیم مثلاً شخصی چند جا معرفی می‌شود یا کتابی به عنوان کتاب سال، کتاب حوزه یا کتاب ولایت معرفی می‌گردد که این موضوع از حالت اولیه و فلسفه خود خارج می‌گردد. پس باید سراغ افرادی رفت که معرفی کردن آنها دارای فایده و اثر علمی مثبت باشد.

□ به عنوان آخرین سؤال آیا با مجله پیام جاویدان آشنا هستید با توجه به این که تاکنون چهار شماره از آن منتشر گردیده و شماره پنجم آن نیز زیر چاپ است، اولاً این مجله را چگونه ارزیابی می‌کنید، آیا توانسته است تاکنون نقش مثبتی ایفا کند؟ ثانیاً: اگر رهنمود و پیشنهادی برای دست‌اندرکاران این مجله قرآنی دارید بفرمایید.

■ بنده دو شماره از مجله را دیدم و شماره دوم نسبت به شماره اول از تکامل بهتری برخوردار بود. شماره اول اشکالاتی از قبیل ترتیب مقالات و از لحاظ فنی دارا بود اما روند رو به رشد را در شماره دوم طی نمود و بنده نیز معتقدم که یک کار قرآنی باید به دست اهل خود واگذار گردد. اگر مجله نیز بخواهد تکامل پیدا کند باید به مجله سمت و جهت داد و به افراد صاحب نظر بها داده شود و مبنای کار نباید عناوین و احکام باشد بلکه مهم محتوای کار است و هدف رشد کیفیت باشد. اگر این‌طور باشد رشد پیدا می‌کند و اگر ارزیابی‌ها مورد توجه قرار گیرد و بدان بها داده شود کار مجله رونق می‌گیرد و مقالات خوبی بدان ارسال می‌گردد. خود ما زمانی که مجله حوزه را منتشر می‌کردیم بنا به این بود که تا دو سال اصلاً اسم صاحب مقاله را درج نکنیم و در مجله مقاله بدون مؤلف چاپ می‌کردیم. مراد ما از این کار توجه به محتوا بود نه اسم و رسم افراد.

در پایان ضمن آرزوی موفقیت برای شما چیزی که فکر می‌کنم هم باید به خودم عرض کنم و هم به خوانندگان اینکه اصلاً همه این تلاش‌هایی را که برای قرآن انجام می‌دهیم به خاطر این است که قرآن در متن زندگی ما قرار گیرد. و اصلاً تمام این حرف‌ها چه قرائت باشد، چه حفظ باشد، برای این منظور است که قرآن در مکان عالی علمی و فرهنگی قرار بگیرد و همه اینها به خاطر این است که در زندگی ما تأثیرگذار باشد. تعبیری از امام باقر (ع) است که وقتی درباره پیامبر (ص) پرسیدند که شما پیغمبر را چگونه دیدید، فرمود: کان خلقه القرآن.

آرزو می‌کنم همه ما به ویژه کسانی که دست‌اندرکار فعالیت‌های قرآنی هستند در این زمینه توفیق یابیم چرا که در فرهنگ اهل بیت (ع) به جای حافظ قرآن یا قاری قرآن بر «حامل قرآن» تأکید شده است.